

### آزادی سیاسی

در شماره های پیش، مباحث مربوط به «آزادی شخصی»، «آزادی فکری»، مورد بررسی قرار گرفت، اینک قسم دیگر آزادی دکه همان «آزادی سیاسی» است مورد بررسی قرار میگیرد.

از آزادی سیاسی دو موضوع زیر منظور است :

۱ - هر فردی از افراد ملت، حق دارد، هر منصبی از مناصب اداری مملکت را که شایستگی تصدی آنرا داراست اشغال نماید و در پی ریزی تشکیلات سیاسی و اجتماعی خود سهم باشد و هیچ عاملی نمیتواند او را از این حق قانونی و طبیعی محروم کند، و اداره امور مملکت را بعد از خاصی اختصاص دهد.

۲ - هر فردی از افراد مملکت، حق دارد، نظرات اصلاحی و انتقادی خود را بطور آزاد بدون هیچگونه بیم و هراسی ابراز نماید. این حق شامل آزادی بیان و قلم، و تشکیل احزاب و اجتماعات و انجمنها خواهد بود.

#### آزادی در تصدی مناصب

بشریت، در طول زندگی پراز فرازونشیب خود، کمتر توانسته است، از نعمت این نوع آزادی سیاسی برخوردار گردد بلکه همواره گرفتار نظامهای نادرستی بوده که مشاغل مهم مملکتی را در انحصار گروه خاصی قرار میداد و اکثریت مردم را از تصدی مناصبی که شایستگی آنرا داشته اند، محروم میکرد.

#### یونانیها

نظام حیات ملی مردم یونان را «نظام طبقاتی»، تشکیل میداد، یعنی مردم هر شهری بسه طبقه تقسیم میشدند که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ حقوقی و قانونی از یکدیگر متمایز بودند.

**طبقه غلامان** : این طبقه که ده برابر مردم اصلی شهر بشمار میآمدند، جز کارکردن و فرمان بردن، حق دیگری در امور سیاسی و قضائی و اداری مملکت نداشتند!

**طبقه خارجیان** : این طبقه مردمی بودند که پدر و مادرشان از مردم آتن نبوده ولی برای تجارت و زندگی در آنجا زیست میکردند. این طبقه نیز مانند غلامان، دخالت در امور سیاسی و قضائی مملکت نداشته، قادر به تصدی مناصب اداری کشور نبودند!

**طبقه اتباع** : این طبقه عبارت بودند از اتباع و اعضاء اصلی جامعه و حق داشتند که در تمام شئون حیاتی کشور، شریک و دخیل باشند.

افراد این طبقه می بایست، پدر و مادرشان، یونانی الاصل، و متولد شده در آنجا باشند تا بتوانند اعضاء حکومت شهر، یا دولت «سپته» (۱) محسوب شوند (۲)

### رومیا

کشور «رم» نیز از لحاظ نظام طبقاتی، دست کمی از کشور همسایه خود «یونان» نداشت و بمقتضای حکومت اشرافی که در آنجا مرسوم بود، لیاقت و شخصیت ذاتی افراد، مورد نظر نبود چه بسا افراد فهمیده و لایقی در میان طبقه فقرا، و متوسطین، پیدا میشدند که از هر حیث شایستگی مقام سناتوری، قضاوت و فرمانروائی را داشتند، اما طبقه «نجباء و اعیان» بهیچ وجه بآنها مجال تصدی چنین مقامی را نمیدادند!

اعیان و نجبا چون بعقیده آنها از نژاد برتر، و دارای قدرت بیشتری بودند، حق داشتند پیش از رسیدن به سن قانونی، و حتی بدون داشتن هرگونه شایستگی، در زمره سناتورها، حکام و قضات درآیند و نسبت به فقراء و عموم ملت، تفاخر کنند!

چنانکه «سالوست» مورخ مشهور میگوید: «نجبا و اعیان، منصب کنونی را دست بدست یکدیگر منتقل مینمودند، یکنفر آدم تازه کار، هر قدر صاحب کفایت و درایت می بود، و خدمات شایان داشت، باز پست و حقیر بود، زیرا پستی نسبی وی را، ننگین میدانستند!

در مرکز و ایالات، تمام کارها مطابق هوی و هوس اشخاص معدودی، انجام میگرفت که بیت المال و حکومت ایالات و مناصب کشوری و لشکری و اجازه جشنهای پیروزی در دست آنها بوده است» (۳).

و بطور کلی، نظام طبقاتی، ملت «رم» را نیز به چهار دسته اشراف؛ شوالیهها، متوسطین و بردگان، تقسیم کرده، و بهر کدام از آنها جز در دائره مخصوصی اجازه

(۱) Cite در زبان فرانسه بمعنی شهر است و مقصود از آن شهر و ولایتی است که دارای تشکیلات و نظامات خاصی است.

(۲) تاریخ فلسفه های سیاسی ج ۱ ص ۴۹-۵۱ - تاریخ ملل شرق و یونان ج ۲ ص ۲۴۵-۲۴۹

تاریخ بشر.

(۳) تاریخ رم ج ۱ ص ۱۴۱-۱۵۲

فعالیت ، نمیداد (۱)

### هنديها

در کشور افسانه‌ای هندوستان ، در حدود قرن نهم قبل از میلاد ، آیینی بنام آئین «هندو-برهمنی» بوجود آمد، این آئین کم کم، آئین رسمی مردم هندوستان گردید ، از جمله اصول و ارکان این آئین ، تقسیم آحاد ملت به چهار طبقه و «کاست» زیر است :

۱ - **برهمنان** که از قسمت علیای سر « **برهمنای خالق** » آفریده شده‌اند ، بالاترین طبقات اجتماعی هند را تشکیل میدادند این عده امور مذهبی و راهنمایی هندوها را بعهده داشتند ، و همه گونه قدرتهای عزل و نصب برخی از خدایان ، بدست آنها بود!

۲ - « **کشایرا** » یا حکام و جنگجویان

۳ - « **ویسیا** » یعنی کشاورزان و بازرگانان

۴ - « **سودرا** » یعنی صنعتگران ، کارگران و سیاحان

هندوها غیر از طبقات چهارگانه فوق را « **پساریا** » یعنی : نجسه‌امیدانند که از قوانین و آداب اجتماعی هندو آزاد ، و انجام کارهای پست و کثیف ، بعهده آنها است و از همه گونه حقوق انسانی ، محرومند!

طبق معتقدات مذهبی هندوها ، هر يك از این طبقات ، در کلیه امور زندگی فردی و اجتماعی خود ، از قبیل زناشویی ، حضور معابد ، غذا خوردن ، مشاغل و غیره از طبقات دیگر بکلی ممتاز و جدا هستند و حق ندارند جز با افراد «کاست» و طبقه خود ، آمیزش داشته

### و یا بمشاغل و کارهای طبقه دیگر اشتغال ورزند!

عجیب اینست که در آئین هندوی امروز ، نیز ، همان «کاست» ها و طبقات ، بهمان شکل ابتدائی خود باقی هستند ! و با همه فعالیتها و مجاهداتی که شخصیتهای بزرگی چون « **مهاتما گاندی** » برای از بین بردن این نظام پوسیده و غیر انسانی کرده‌اند ، نتوانسته‌اند ، آثارشوم این نظام غلط را از بین ببرند ، مخصوصاً تنها طبقه‌ای که هم اکنون ، با همان موقعیت ممتاز خود باقی هستند ، همان طبقه برهمنانند که هرگز شخصی از طبقه دیگر نمیتواند ، بمقام آنها نائل گردد ! (۲)

### ایرانیها

حکومت اشرافی ایران باستان ، مانند دیگر کشورهای آسیائی و اروپائی ، بر اساس نادرست « **نظام طبقاتی** » پایه‌ریزی شده بود و مردم به چند طبقه متمایز از هم تقسیم میشدند ، و افراد هر طبقه دارای امتیازات مخصوص بخود بوده بهیچوجه حق نداشتند از حدود امتیازات

(۱) تاریخ رم جلد ۱

(۲) تاریخ ادیان دکتر علی اکبر ترابی ص ۹۹ - ملل و نحل شهرستانی .

خود ، پافرا تر نهاده ، وارد قلمرو امتیازات دیگران شده ، مشاغل آنان را بعهده بگیرند!

مثلاً در زمان «**هخامنشیان**» جامعه ایرانی سه دسته و گروه تقسیم میشدند: **روحانیان** جنگجویان و کشاورزان ولی بعداً طبقه دیگری بنام صنعتگران ، با آنان افزوده شد ، اما نژاد آریائی یعنی ایرانی اصلی جز سه شغل اولی اشتغال نمی ورزیدند و صنعت و تجارت و هنر را جزء حرفه های پست بشمار می آوردند و شایسته مردم ایرانی الاصل نمیدانستند!

در زمان «**ساسانیان**» نیز جامعه ایرانی به چهار دسته تقسیم میشد ، با این امتیاز که صنعتگران و کشاورزان را جزء طبقه چهارم بحساب آورده و بجای طبقه کشاورزان ، دیران و کارمندان را قرار دادند .

بنابر این طبقات ملت ، در این دوره ، باین ترتیب بوده : روحانیان ، جنگجویان ، دیران یا کارمندان ادارات ، و توده ملت یعنی : کشاورزان ، صنعتگران ، سوداگران ، و صاحبان هنرها و حرفه های گوناگون!

نکته جالب توجه در این تقسیم بندی اینست که هیچکس از آحاد طبقات ، حق نداشت از دایره امتیاز طبقه مخصوص بخود ، خارج شده ، مشاغل دیگران را بعهده بگیرد هر چند همه گونه شایستگی را برای تصدی شغل مورد نظر خود داشته باشد! (۱)

### آزادی سیاسی در عصر حاضر!

بشریت ، نه تنها در دورانهای گذشته در کشورهای غیر متمدن ، و یا متمدنی چون : رم ، یونان ، هند و ایران باستان که گرفتار نظامهای غلط طبقاتی بوده اند ، از آزادی سیاسی بمعنی نخست ، محروم بوده است بلکه در قرن بیستم هم ، با همه پیشرفتهائیکه در قسمتهای صنعت و دانش نصیب شده ، هنوز نتوانسته است به افرادی که شایستگی تصدی اداره امور مملکت را دارند ، و میتوانند در پی ریزی تشکیلات سیاسی و اجتماعی خود سهیم باشند ، آزادی سیاسی بمعنی واقعی اعطا نماید .

ظهور «**فاشیسم و نازیسم**» در ایتالیا و آلمان ، و تلاش سیاهان برای تحصیل ابتدائی-ترین حقوق انسانی یعنی : حق رأی داشتن ، به اتحادیه های پیوستن ، اعتصاب کردن ، باسفید - پوستان ازدواج نمودن به پارلمان و دانشگاه و مدارس سفید پوستان و دادگاه و تشکیلات عمومی مملکت ، راه یافتن ، در آفریقا و آمریکا نمونه بارزی برای این حقیقت تلخ است (۲)

از اینها که بگذریم ، در کشورهای «**کمونیستی**» جهان نیز که بر اساس یک حزبی ،

بقیه در صفحه (۲۷)

(۱) النظم الاسلامیة ص ۳۰-۳۱- تاریخ ایران باستان تاریخ ادیان دکتر ترابی .

(۲) برای توضیح بیشتر ، مراجعه شود به جلد سوم تاریخ فلسفه های سیاسی- از بردگی تا آزادی .

## کتابهای تازه

**بخش اول : اسامی و خصوصیات کتابهاییکه از طرف مؤلفان و ناشران رسیده است:**

- ۱- **جذب و ولایت**، ترجمه و شرح منهاج الكرامه: تألیف دانشمند بزرگ شیعه جمال الدین علامه حلی- نگارش سید احمد حسینی چالوسی، شمین رقی ۱۵۱ صفحه از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی معراجی تهران (بخشهایی پیرامون عقائد شیعه)
- ۲- **روش زندگی در اسلام** : تألیف ابو الاعلی مودودی ترجمه احمد فرزانه ، بامقدمه ای از سیدهادی خسرو شاهی شمین رقی ۱۲۳ صفحه از انتشارات کتابخانه ارشاد تهران .  
(مطالبی درباره روش اخلاقی، سیاسی ، قضائی و اقتصادی اسلام)
- ۳- **نماز مکتب عالی تربیت** : تألیف ناصر مکارم شیرازی شمین رقی ۲۹ صفحه از انتشارات کانون انتشارات محمدی تهران (در باره آثار اخلاقی و اجتماعی نماز ، و طرز انجام آن بسبکی دلپذیر و جالب)
- ۴- **دستور زبان فارسی** نوشته علی اصغر ققیبی شمین رقی ۱۶۳ صفحه از انتشارات مطبوعاتی حکمت قم (در باره قواعد و تجزیه و ترکیب زبان فارسی)
- ۵- **بار هبر خود آشنا شوید** : تألیف سید مصطفی ضیائیان شمین رقی ۱۱۰ صفحه ناشر مؤلف (مطالبی پیرامون حضرت مهدی موعود (ع) و علائم ظهور)
- ۶- **حج آنطور که من رفتم** : نوشته علی اصغر ققیبی شمین رقی ۱۳۶ صفحه از انتشارات مطبوعاتی حکمت قم (سفرنامه حج)
- ۷- **شهاب ثاقب** : نگارش محمد آیت اللهی یزدی شمین رقی ۶۸ صفحه ناشر مؤلف (در بیان فلسفه دعا)
- ۸- **مخطوطات فارسی در مدینه منوره** : تألیف عزیز الله عطاردی قوچانی شمین رقی ۳۸ صفحه ناشر مؤلف فهرست مخطوطات فارسی در کتابخانه های مدینه منوره)
- ۹- **آخرین مرد آسمانی** : نوشته رحیم جعفری شمین، جیبی ۱۵۱ صفحه ناشر مؤلف (شرحی از زندگی و مکتب رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم).
- ۱۰- **مناظره مسلمان و داروین** تألیف سید محمد شیرازی ترجمه علی کاظمی شمین جیبی ۸۹ صفحه از انتشارات مؤسسه مطبوعات دارالعلم قم (بحث در پیرامون

عقیده داروین )

۱۲ - ندای شریعت: بقلم سید محمد

شریعتی، ساعی شمیم جیبی ۷۱ صفحه ناشر دؤلف

(اشعاری پیرامون گفتارهای پیشوایان شیعه

ومرئی آنها)

۱۱- قرآن و مقررات ارتش اسلام

تألیف سروان احمد کاویان پور- شمیم جیبی

۱۶۳ صفحه ناشر مؤسسه انتشارات آسیا تهران

(بحثی درباره مقررات ارتش اسلامی)

بخش دوم: اسامی افراد محترم و تعداد کتابهاییکه بکتابخانه مکتب اسلام اهداء

شده است .

آقای محمد علی از گوگان آذربایجان ۷ جلد	آقای عبداللهی	۱
محمد ابراهیم خلیل سجودی موحد ۱	رحیمی از مشهد	۲
مظاهری از تهران	هدایتی از رضائیه	۱
خرازی	یحیی سلیمی	
عباس بیوکیان	حاج بنی خبازان از مشهد	
میرعلینقی روانبخش از گوگان ۱۴	علیرضا	
رضا استادی	م. اکبریان	
نصرالله رعنائی	غلامعلی نادری از تهران	
سید محمد منیفی از تبریز	رضا اشرفی	۴
رحیم وطن خواه	سیدعلی اکبر شلفی از اصفهان	۱
رحیم زاده کبیر	علی اصغر قولبگی از اصفهان	۳
محمد حاج صادقی همایون شهری از	سید کاظم اکرمی	۱
همایون شهر	حسین زمانزاده	
علی آصف از همایون شهر	عبدالصمد	
سید جلال مجد الاسلامی از تبریز	محمود عرب از تهران	
علیرضا نوروزعلی	اسماعیل اخباری	
سهراب هاشمی از آبادان	حسن جمالی	
امیر حسن حجازی	مصطفی فتحی از تهران	۳
میر هدایت مجد الاسلامی از تبریز	سید حسین اخوان	۱
احمد شامخی از امیرکلا	احمد مشکل گشا از شیراز	۴
علیرضا عربشاهی	سید مهدی حقیقت کیش از فسا	۲
محمد رضا کر باسیان از تهران	محمود بخشی از فیروزکوه	۱
انجمن اسلامی بانوان مشهد ۹	شادالله غیاثی از سنقر	
	م صاحب الزمانی	

## نامزدی در اسلام

در میان اکثر خانواده‌های دختر و پسر قبل از انجام ازدواج مراسمی بنام نامزدی برگزار می‌شود و دنبال آن گفتگوها و رفتارهای عاشقانه و شب نشینی‌ها و ضیافت‌ها و معاشرت‌های خصوصی که غالباً خالی از مفاسد و ناملازمات و اختلافات نمی‌باشد شروع می‌گردد .

جالب توجه اینکه گاهی نیز ایراد با اسلام می‌کنند که چرا این مراسم با این طول و تفصیل در اسلام نیست و اسلام با اینکه در اکثر موارد قوانین جالب و مترقی قابل اجرائی دارد در این باره که مشتمل بر فواید و نتایج صحیح فراوانی است دستورات صریحی ندارد؟

اکنون باید مفاسد این نوع نامزدی را بررسی کرد و سپس دید حدود نامزدی در اسلام تا چه اندازه است؟ آیا جلو آزادی در ازدواج را که يك اصل مهم اسلامی بشمار میرود می‌گیرد یا نه؟

نامزدی گو اینکه بیشتر بعنوان تمایل مرد و خانواده او با ازدواج دختر خواستگاری شده و قرارداد برای ازدواج در آینده صورت می‌گیرد و باین ترتیب دختر و پسر از بلا تکلیفی و تردید خارج میشوند و در آستانه ورود به مرحله قبول مسئولیت سنگین خانواده قرار می‌گیرند ولی دارای مفاسد بیشماری است که ما در ذیل پیاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم :

دختر و پسر بخیال اینکه در آینده با هم ازدواج خواهند کرد و خانواده تشکیل خواهند داد به بهانه اینکه نامزد هم‌دیگر می‌باشند کاملاً احساس آزادی مطلق کرده در زیر ماسک نامزدی مرتکب رفتارها و معاشرت‌های بدون قید و شرط افراط آمیز می‌شوند. در شب نشینی‌های رسوا و پر از تنگ شرکت میکنند و مسافرت‌های خصوصی و گردش‌های آمیخته بمفاسد فراوانی می‌نمایند .

قابل تأسف اینگونه معاشرت‌های عاشقانه را بعضی از جوانهای عیاش در دوران نامزدی امری لازم و صحیح بشمار می‌آورند بطوریکه گمان می‌کنند اگر ازدواج بدون این نوع معاشرت‌های ننگین بعمل آید ازدواج ناقص بوده و لذت بخش نمی‌باشد ، غافل از اینکه اینگونه معاشرت‌ها علاوه بر اینکه موجب می‌گردد که دختر و پسر در آستانه انحرافات متعدد جنسی و غیر آن قرار گیرند و گرفتار بدبختی‌های غیر قابل جبرانی گردند چه بسا اتفاق می‌افتد

پاره‌ای از جوانهای خوش گذران بعد از ارضای غرائز جنسی و اشباع لذت‌های چند روزه نامزدی و سیر شدن از دختر مورد نظر، زدگی مخصوصی نسبت با و پیدا کرده و آنرا هم میسازد و بسراغ دختر دیگری میرود و همین طور عمری را به بطالت و بدبختی و بی‌هدفی می‌گذرانند و علاوه بر اینکه از عمر خود بهره‌ای نگرفته، خانواده‌ها را نیز لکه‌دار کرده‌اند به آنها مینماید در بعضی از موارد نیز این گونه معاشرت ننگین بمراحل بسیار باریک خطرناکی کشیده میشود و چه بسا بدون اینکه قصد ازدواج با او داشته باشد دامن عقیق دختری را لکه دار نموده بدین طریق دختر و خانواده او را یک عمر در اندوه و غم و بدبختی و گرفتاری باقی می‌گذارد.

بهترین شاهد زنده آن صفحات حوادث جرائد و مطبوعات است که مطالعه اجمالی آنها بخوبی ثابت میکند که چه اندازه از این جنایات‌ها و بدبختی‌ها دامنگیر خانواده‌ها گردیده و چه مقدار اختلافات خانوادگی از این ناحیه متوجه خانواده‌ها و اجتماع میشود و اگر مقامات مربوط آمار اختلافات و لکه‌دار شدن عفت‌های دختران که ناشی از این گونه مراسم نامزدی و معاشرت‌ها و آزادی‌های مطلق میباشد منتشر می‌ساختند آنوقت معلوم میشد که نامزدی‌های کذائی امروزه چه اندازه مفاسد فردی و اجتماعی بار می‌آورد!!

قابل تأسف اینک برخی از جوانها برای اینکه این گونه مراسم نامزدی یعنی آزادی مطلق و بی‌بندوبار را موجه جلوه دهند برای لزوم این مراسم اقتضاح آمیز این نوع استدلال میکنند که با اینگونه معاشرت‌های بی‌قید و شرط می‌خواهند همدیگر را خوب بشناسند و بروحیات و افکار و اخلاق و وضع خانوادگی و سایر خصوصیات جسمی و غیر آن اطلاع پیدا کنند و با چشم و گوش باز با ازدواج اقدام کنند.

پاسخ این پندار با توجه بمطالب مقالات گذشته بخوبی معلوم میشود که دوران نامزدی گواینکه فی نفسه فرصت خوبیست برای مطالعه در اخلاق و رفتار و درک مزایای جسمی و روحی و لکن از این نکته نباید غفلت کرد که آنچه بیشتر در مرحله عمل در این نوع معاشرت‌ها مورد نظر طرفین قرار می‌گیرد تنها اشباع نیروی جنسی و کسب لذت‌های زودگذر می‌باشد و دختر و پسر غالباً از مسأله شناسائی وضع اخلاقی و افکار همدیگر غفلت می‌ورزند و یاد مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد بلکه بالاتر غالباً طرفین در این گونه معاشرت‌ها کوشش میکنند اخلاق و رفتار واقعی خود را از همدیگر مخفی سازند و با این وصف چگونه میتوان انتظار داشت که بهترین دوران رسیدگی با اخلاق و رفتار همدیگر دوران نامزدی باشد؟!

### اسلام این مشکل را چگونه حل میکند؟

اسلام با در نظر گرفتن مفاسد بالا این نحو مراسم نامزدی را که بر اساس آزادی کامل و مطلق و معاشرت‌های بی‌قید و شرط قرار گرفته و جز بدبختی و بلا تکلیفی و ایجاد مفاسد فردی و



اجتماعی حاصلی ندارد جایز نمیداند .

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اسلام این مشکل را چگونه حل کرده و راجع بآن چه نظری دارد ؟ در جواب این سؤال اجمالاً می‌گوئیم که نامزدی در اسلام دو مرحله دارد یکی مرحله شناسائی طرف ازدواج، دیگری تطبیق افکار و اخلاق و رفتار طرفین ازدواج با یکدیگر، اسلام برای بدست آوردن این منظور اصلی از نامزدی طریق‌های آسان و قابل عملی پیشنهاد نموده است که عمل بآنها به بهترین وجهی می‌تواند سعادت خانواده ها و ضمناً منظور طرفین را نیز عملی سازد . چنانکه در مقالات گذشته ذکر کردیم مسأله شناسائی و تطبیق با روحیات طرف ازدواج از مطالعه روحیات طرف از طریق تحقیق از حالات وضع خانوادگی و مزایای روحی و فکری همدیگر از رفقاء و دوستان و سایر افراد مطلع غالباً تأمین می‌گردد .

چنانکه خوانندگان گرامی مشاهده می‌کنند اسلام بنامزدی تنها از دیدگاه وعده انجام عقد نظر می‌کند و لذا آنان هرگز حق ندارند باهمدیگر خلوت کرده و با یکدیگر طوری رفتار نمایند که معمولاً میان زن و شوهر انجام می‌گیرد در اینجا پدرها و مادرها وظیفه دارند که معاشرت‌ها و رفتارهای دوران نامزدی فرزندان خود را دقیقاً کنترل نمایند تا نتیجه مطلوب از آن گرفته شود و بلب پر تگاه سقوط و فساد نزدیک نگردند .

(بقیه از صفحه ۲۳)

پایه‌ریزی شده و تمام شئون مملکت در دست افراد حزب ، تمرکز یافته است ، **اصل آزادی سیاسی بمعنی فوق ؛ وجود ندارد ؛** و هیچ فردی از آحاد ملت هر قدر شایستگی و قابلیت ، برای اداره امور جاری مملکت ، داشته باشد ، در صورتیکه از اعضاء حزب نباشد ، نمیتواند ، در تشکیلات سیاسی و اداری کشور ، شرکت نماید ! (۱)

و همچنین ، در کشورهای بزرگ و بظاهر آزاد جهان که بر اساس چند حزبی اداره میشود ، در مقام عمل و واقع ، اصل مهم «آزادی سیاسی» بمعنی حق دخالت داشتن تمام افراد ملت ، در امور جاری مملکت و انتخاب و راه یافتن به پارلمان و اشتغال به مشاغل گوناگون سیاسی و اداری کشور بطور صحیح وجود ندارد در حقیقت صاحبان زور و زورند که مشاغل و مناصب را دست بدست میگردانند !!

مایاری خدادر شماره های آینده نظر اسلام ، و نحوه عمل پیشوایان دین را در حمایت از این اصل مقدس مورد بررسی قرار خواهیم داد .